



دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱

ISSN: ۲۳۸۴-۲۷۸۳

- سبک‌شناسی شعر کودک با رویکرد بررسی ارکان جمله
- رابطه طبیعت و انسان در شعر کودک با تکیه بر اشعار کردی
- گروفالو، از قصه تا درام بررسی ساختار روایی داستان مصور و فیلم انیمیشن «گروفالو» اثر جولیا دونالدسون همراه با ارائه طرحی پیشنهادی برای تبدیل آن به نمایشنامه
- نقد و بررسی مفاهیم ایدئولوژیک در انیمیشن کورالاین: آشکارسازی زمینه‌های سیاسی با استفاده از تئوری شالوده‌افکنی
- نقش درست‌گویی قصه در جذب مخاطبان کودک و نوجوان
- بررسی «عنوان» در داستان‌های فلسفه برای کودکان با تکیه بر نقش عوامل برون‌متنی
- بررسی فرانش‌های شش‌گانه هلیدی در ترانه‌بازی «اشتر به چراس»
- بررسی نشریات کودک و نوجوان در دهه هفتاد شمسی
- بررسی و تحلیل آثار داستانی کودک و نوجوان احمد اکبرپور از منظر عناصر داستان
- تأملی در داستان بلند «فرشته‌ها از کجا می‌آیند؟»
- ترجمه مفاهیم فرهنگی و بوم‌شناختی در آثار شل سیلورستاین با تکیه بر چهارچوب نظری آیویر و پیتر نیومارک
- خوانش هفت‌خان و هفت‌رزم بر اساس نظریه اقتباس لیندا هاچن

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱

ISSN: 2783-2384

Journal of Research in Children's Literature in Iran

Number 6, Spring & Summer 2022

ISSN: 2783-2384

- Analyzing "title" in philosophical stories for children considering the role of extra-textual factors
- Investigating the six trans elements of Holiday in song playing of "Oshor be charast (the camel has gone grazing)"
- Scrutinizing the journals of children and adolescents in Iran (1990-2000)
- Analyzing Ahmad Akbarpour's children fiction works from the viewpoint of story elements
- A reflection on the long story of "Where do angels come from?"
- Translation of eco-cultural concepts in Shel Silverstein's works based on the theoretical frameworks of Ivir and Newmark
- The recitation of Haft Khan and Haft Razm by Zohreh Parirokh and Nilufar Mir Mohammadi, based on the adaptation theory of Linda Hatchen
- The stylistics of children's poetry with the approach of considering the elements of the sentence
- The relationship between nature and man in children's poetry based on the Kurdish poems
- The Gruffalo, from story to drama Scrutinizing the narrative structure of the pictorial story and animation movie of "The Gruffalo" by Julia Donaldson With presenting a suggested plan for turning it into a drama
- Review of ideological concepts in Coraline animation: Revealing political contexts using foundational theory
- The role of correct storytelling in attracting children and adolescents audience



رابطه طبیعت و انسان در شعر کودک با تکیه بر اشعار کُردی

سیده مریم ابوالقاسمی^۱ و حُسن خورشیدی^(۲)

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ایران

چکیده

طبیعت بکر و زیبای مناطق کُردنشین و تنوع گونه‌های طبیعی در این مناطق، زمینه را برای پرورش تخیل شاعرانه و بازتاب آن در شعر کودک فراهم ساخته است. شعر کودک در ادبیات کُردی، پیوندی عمیق و ناگسستنی با طبیعت دارد. طبیعت و عناصر و اجزای آن در شعر کودک به زبان کُردی همواره بالاترین منشا الهامات شاعرانه بوده است. این حضور را می‌توان در شخصیت‌ها، فضا، تم شعری، بن مایه و موضوعات اصلی مشاهده کرد. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته یافته‌های تحقیق در شعر دو شاعر مطرح در حوزه ادبیات کودک و نوجوان (یونس رضایی و محمد رسولنیا) حاکی از آن است که توصیف انواع و گونه‌های مختلف حیوانات، توصیف مظاهر مختلف طبیعی و گونه‌های متنوع گیاهان و درختان از بسامد بالایی برخوردار است. همچنین در بیان توصیفات و جنبه‌های آموزشی به کودکان، ظرافت‌های بیشتری به کار برده‌اند، شعر این دو شاعر علاوه بر توصیف مظاهر مختلف طبیعی، حاوی نکات ارزنده آموزشی، تربیتی و رفتاری نیز هست که همواره پاس‌داشت طبیعت، احترام و حفظ گونه‌های مختلف آن را به شیوه مستقیم و یا غیر مستقیم به کودک آموزش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: طبیعت، انسان، شعر کودک، زبان کُردی سورانی، شاعران کُرد.

مقدمه

ادبیات کودک یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات است و شعر خردسال و کودک به عنوان گونه و نوعی از ادبیات اهمیت ویژه‌ای دارد. تفاوت بین نیازها، امکانات کودکان با بزرگسالان موجب می‌شود که از ادبیات کودکان انتظار بیشتری وجود داشته باشد لذا باید عالی‌تر و سازنده‌تر باشد. ادبیات کودک در وهله نخست در بی سرگرمی و لذت است و می‌تواند به‌صورت همزمان به آموزش و پاس‌داشت زبان نیز بپردازد. «کودکان پیش از رسیدن به مرحله‌ای که بتوانند از مطالبی که برای آنان نوشته و تهیه شده لذت ببرند و آن را دریابند، با آوای خوش مادران و دایگان خود در قالب مثل‌ها، لالایی‌ها آشنا می‌شوند و به این ترتیب پیش‌زمینه‌ای از ادبیات در آنان شکل می‌گیرد» (قزل ایاغ، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در شعر کودک و خردسال مطرح می‌شود طبیعت و عناصر و اجزای آن است، در واقع بدیهی‌ترین و نخستین عناصر و پدیده‌هایی که کودکان از طریق حواس با آن ارتباط برقرار می‌کنند طبیعت و اجزا و عناصر آن است. بنابراین بازتاب طبیعت در اشعار کودکان نشانگر نگاه شاعر و توجه او به محیط اطراف و تأثیرپذیری او از طبیعت در تولید اثر ادبی است.

انسان خود بخشی از طبیعت جاندار است که با سایر عناصر طبیعت همزیستی و همنوایی دارد. انسان خارج از این مجموعه (با تمام عناصر و ویژگی‌ها: آب، هوا، آتش، خاک، گرما، سرما، حیوانات، گیاهان و...) قادر به ادامه حیات خویش نیست. «پیازه روان شناس معروف سوئیسی، رشد را عاملی برای سازگاری موجود زنده با محیط و حفظ تعادل ارگانیسم در ادوار مختلف زندگی می‌داند. او معتقد است اگر در جریان رشد اختلالی ایجاد شود، موجود تعادل خویش را با محیط زیست از دست می‌دهد و تداوم زندگی خدشه دار می‌شود» (شفیع آبادی، ۱۳۷۲: ۱۴).

از میان گونه‌های مختلف ژانرهای ادبی، در ادبیات کودک، اشعار کودکان کُردی قابلیت بیشتر و بهتری برای مطالعات مربوط به مناسبات انسان و طبیعت دارند، طبیعت بکر، کوه‌های سر به فلک کشیده، تنوع انواع گونه‌های طبیعی، و انس و الفت آدمی با پدیده‌های طبیعی در مناطق کُردنشین ایران، چه بسا زمینه را برای پرورش تخیل شاعرانه و بازتاب آن در شعر بزرگسال و کودک فراهم می‌سازد.

طبیعت در ردیف نخستین مخلوقات است که کودک با آن آشنا می‌شود. از دیدگاه کودک، چه بسا طبیعت صاحب جان و عاطفه است. او با آن‌ها دوست می‌شود و از دوستی با آن‌ها لذت می‌برد. ادبیات کُردی نیز سرشار از شعرهایی است که ارتباط نزدیک با طبیعت بکر و زیبا را نشان می‌دهد. این نوع از اشعار، سرشار از همزیستی با طبیعت، حیوانات و محیط زیست است. طبیعت‌گرایی در شعر کودک و خردسال کُردی بسیار پررنگ است. عناصر چهارگانه طبیعت: آب و باد و خاک و آتش در اشعار کودک کُردی نقش پررنگی دارد. فصل‌ها، میوه‌ها، گل‌ها و درختان، شب و روز، پرندگان و حیوانات، آسمان، زمین، ماه، خورشید، ستاره، رنگین‌کمان و همه و همه در شعر کودک و خردسال کُردی (اعم از آثار شفاهی، فولکلور، مکتوب و معاصر) منعکس شده است.

در این تحقیق ما برآنیم که این طبیعت زیبا را از آینه شعر دو شاعر کودک کُرد بنگریم و کودکانه به دنیایی زیبا سفر کنیم و به این سوالات پاسخ دهیم:

الف) مهم‌ترین مولفه‌ها و عناصر طبیعت در اشعار کودک و خردسال به زبان کُردی کدام است؟

ب) طبیعت بکر کُردستان چقدر توانسته بر ذهن و روح شاعران کودک اثر بگذارد؟

ما با تکیه بر اشعار یونس رضایی (متولد ۱۳۵۴) و محمّد رسولنیا (متولد ۱۳۴۵) که از شاعران پیشکسوت در عرصه ادبیات و خصوصا شعر کودک هستند و آثاری موفق را در زمینه شعر کودک، تقدیم کودکان کرده‌اند، بر آنیم به نقش و جایگاه طبیعت در اشعارشان بپردازیم.

مبانی نظری تحقیق

ادبیات کودک یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات است و شعر خردسال و کودک به عنوان گونه‌ای از ادبیات اهمیت ویژه‌ای دارد. تفاوت بین نیازها، امکانات کودکان با بزرگسالان موجب می‌شود که از ادبیات کودکان انتظار بیشتری وجود داشته باشد لذا باید عالی‌تر و سازنده‌تر باشد. ادبیات کودک در وهله نخست در بی سرگرمی و لذت است و می‌تواند به صورت همزمان به آموزش و پاسداشت زبان نیز بپردازد.

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در شعر کودک و خردسال مطرح می‌شود طبیعت و عناصر و اجزای آن است، در واقع بدیهی‌ترین و نخستین عناصر و پدیده‌هایی که کودکان از طریق حواس با آن ارتباط برقرار می‌کنند طبیعت و اجزا و عناصر آن است. بنابراین بازتاب طبیعت در اشعار کودکان نشانگر نگاه شاعر و توجه او به محیط اطراف و تأثیرپذیری او از طبیعت در تولید اثر ادبی است. این امر، اثر شاعر را از اصالتی بومی و بومگرایانه برخوردار می‌سازد. از میان گونه‌های مختلف ژانرهای ادبی، در ادبیات کودک، اشعار کودکان کُردی قابلیت بیشتر و بهتری برای مطالعات مربوط به مناسبات انسان و طبیعت دارند، طبیعت بکر، کوه‌های سر به فلک کشیده، تنوع انواع گونه‌های طبیعی، و انس و الفت آدمی با پدیده‌های طبیعی در مناطق کُردنشین ایران چه بسا زمینه را برای

پرورش تخیل شاعرانه و بازتاب آن در شعر بزرگسال و کودک فراهم می‌سازد.

طبیعت (nature) از ابتدا تا امروز همواره یکی از خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های ادبیات بوده است. شاعران همیشه از طبیعت برای یافتن انواع مضامین مختلف استفاده کرده‌اند. «هر چند به نظر می‌رسد جهان طبیعت، آمد و شد شب و روز و گذشت فصل‌ها در طی قرون و اعصار، امری ثابت و تکراری است، رابطه انسان با طبیعت در طول تاریخ، به گواه این همه توصیف‌های برجای مانده، رابطه ثابت و یکسانی نبوده است. انسان، زمانی مقهور پدیده‌های طبیعت بود و جهل او درباره چگونگی رویدادهای طبیعی موجب می‌شد خداگونه آن را بستاید و بنده‌وار تسلیم آسمان و ماه و ستاره و رود و دریا و حیوانات شود. در این مرحله از حیات، انسان نمی‌توانست رابطه‌های عاشقانه با طبیعت داشته باشد. بازتاب این نوع رابطه در ادبیات، شکل‌گیری حماسه که در بعضی از حماسه‌ها- که در جوامع چندخدایی شکل می‌گرفتند- این عناصر طبیعی به شکل خدایان ظهور می‌کردند و در شرق و در جوامع تک‌خدایی، همین پدیده‌ها ابزار قدرتمندی در دست خدا بودند. در اساطیر جهان نیز آسمان، دریا، آذرخش، خورشید، رودخانه، خشکسالی و آب‌های شور، متناسب با نگاه و احساس نیاز، یا ترس در انسان، به خدایان و غولان و دیوان تبدیل می‌شوند» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۱۰۸). «محیط زیست می‌تواند بر محیط اطراف یک فرد، یک گونه جانوری، یک اجتماع یا درکل بر اشکال حیاتی دلالت داشته باشد» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

کیانوش معتقد است: «به اعتباری انسان ناگزیر است که پایی در طبیعت داشته باشد و پایی در دایره تعقل بگذارد تا دوام یابد. اما بریدگی از طبیعت نمی‌توانست و نخواهد توانست کامل باشد، زیرا که روشن‌تر از آفتاب می‌توان دید که در همه قرن‌های جدانشدگی از طبیعت، فقط توانسته است خود را در طبیعت پایدار بدارد و هرگاه که با طبیعت مغایرت ورزیده، سرانجام مغبون پندار خود شده است» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۷).

امین‌پور شاعر کودک و نوجوان درباره شناخت کودک از محیط می‌نویسد: «کودک ابتدا میان خود و محیط خارج تفاوت نمی‌گذارد و همان‌طوری که خودش می‌بیند و درمی‌یابد، این بینش و دریافت را در مورد دیگران صادق می‌داند» (امین‌پور، ۱۳۹۲: ۱۸). «خودمیان بینی احتمالاً قابل توجه‌ترین مشخصه کودک پیش‌عملیاتی است. او به‌طور دائم سوال می‌کند و اصرار دارد متکلم وحده باشد. به موجب همین خودمیان‌بینی، کودک ممکن است حتی وقتی که هیچ کس به حرفش گوش نمی‌دهد، به صحبت کردن ادامه دهد. او در این مرحله به "جاندارپنداری" یا زنده‌انگاری اعتقاد دارد و همه اشیای بی‌جان را زنده می‌داند. اسباب‌بازی‌ها می‌توانند زنده باشند و با او صحبت کنند. پیازه از بسیاری از کودکان سوال کرده که آیا باد، رودخانه، ابر و خورشید زنده‌اند؟ و دریافت کودکان زیر هفت سال آن‌ها را زنده می‌پندارند» (دروتی جی، ۱۳۷۷: ۴۷). «امروزه مانند گذشته مهم‌ترین و دشوارترین وظیفه تعلیم و تربیت این است که به کودک یاری رساند تا برای زیستن معنایی بیابد. در این باره تجربه‌های بسیاری برای رشد لازم است. کودک باید در جریان رشد بیاورد که همواره خود را بهتر بفهمد، در این صورت قادر است که دیگران را درک کند و سرانجام روابط رضایت‌بخش و موثری با آنان برقرار سازد» (بلتهایم، ۱۳۴۸: دیباچه).

«پس جهان کودک پنجره‌های گشوده دل‌باز به سوی طبیعت دارد و گذرگاه‌های تنگی به سوی تعقل، به سوی جهان بزرگ‌ترها، به سوی جامعه یا تمدن، یا به سوی جهان انسان متعارف. کودک از طبیعت می‌آید با پیغام‌های طبیعت: بخور، بخواب، بازی کن، و ما بزرگ‌ها دیری است که این پیغام‌ها را فراموش کرده‌ایم.» (کیانوش، ۱۳۸۹: ۸).

کودک باید تمام مراحل رشد را به خوبی طی کرده و در ابعاد مختلف عاطفی، فرهنگی، اخلاقی، روانی، و جهان‌شناسی به تکامل برسد تا تصویر جامعه‌ای سالم و خوب را برای آینده ترسیم کند. ادبیات و به ویژه ادبیات کودکان در این امر نقش مهمی بر عهده دارد.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق باید گفت تقریباً پاره‌ای از منابع و مآخذ وجود دارد که از منظر مبانی نظری تا حدودی نزدیک به موضوع مورد نظر ماست که از آن‌ها می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق یاد کرد، به عنوان مثال

زهرا پارساپور در مقاله‌ی بررسی ارتباط انسان و طبیعت در شعر که در سال ۱۳۹۱ چاپ شده با بررسی اشعار توصیفی در ادب فارسی، پنج نوع نگرش کلی درباره طبیعت معرفی شده و تأثیر دو عامل زمان و اندیشه شاعر بر چگونگی ارتباط او با طبیعت و نحوه توصیف او را بیان کرده است.

نیلوفر رادمنش در پایان‌نامه خود با عنوان طبیعت در شعر کودک، نظری و منابع پژوهشی در زمینه ادبیات کودک شامل: تاریخ ادبیات کودکان ایران، ادبیات کودکان و نوجوانان، ضوابط و اصول نقد کتاب‌های کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، بررسی مفاهیم طبیعت در شعر کودک و نحوه توصیف‌ها و صور خیال اشعار طبیعت و نیز بررسی نمادهای طبیعت در شعر کودک مورد نظر نگارنده بوده است.

مهديه زراعتی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان عناصر طبیعت در شعر کودک با تکیه بر اشعار افسانه شعبان نژاد طبیعت و عناصر آن و کاربردهای شاعرانه آن در بیان اندیشه و تصویرآفرینی (صورخیال) در آثار افسانه شعبان نژاد را بررسی کرده است. معصومه سپهری عسگر هم در پایان‌نامه مشابهی با عنوان بررسی جلوه‌های طبیعت در آثار منظوم مصطفی رحماندوست در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، به چهره‌های گوناگون طبیعت پرداخته که بخش گسترده‌ای از شعرهای مصطفی رحماندوست را تشکیل می‌دهد، نشان از عشق و علاقه این شاعر به طبیعت دارد.

تأثیر طبیعت بکر بر زبان و اندیشه دو شاعرگرد (یونس رضایی و محمد رسولنیا)

علاقه به طبیعت به دوره خاصی از زندگی برنمی‌گردد، بلکه افراد در هر دوره زندگی از طبیعت به گونه‌ای برداشت می‌کنند عواملی که در برداشت از طبیعت مؤثر است عبارتند از نژاد، طبقه، آب و هوا، وضعیت زندگی و جایگاه اجتماعی هر فرد و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، شعر شاعران گرد هم که فرزندان کوهستان‌اند از این مسائل جدا نیست. طبیعت‌گرایی و جان‌بخشی به اشیاء در شعر همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است. در نتیجه صور خیال و تصرفی که ذهن شاعر در عناصر بی جان طبیعت می‌کند، به جنبه‌هایی از طبیعت و جهان عینی برمی‌گردد. «امروزه مانند گذشته مهم‌ترین و دشوارترین وظیفه تعلیم و تربیت این است که به کودک یاری رساند تا برای زیستن معنایی بیابد. در این باره تجربه‌های بسیاری برای رشد لازم است. کودک باید در جریان رشد بیاموزد که همواره خود را بهتر بفهمد، در این صورت قادر است که دیگران را درک کند و سرانجام روابط رضایت‌بخش و مؤثری با آنان برقرار سازد» (بلیت‌هایم، ۱۳۴۸: دیباچه).

«پس جهان کودک پنجره‌های گشوده دل‌باز به سوی طبیعت دارد و گذرگاه‌های تنگی به سوی تعقل، به سوی جهان بزرگ‌ترها، به سوی جامعه یا تمدن، یا به سوی جهان انسان متعارف. کودک از طبیعت می‌آید با پیغام‌های طبیعت: بخور، بخواب، بازی کن، و ما بزرگ‌ها دیری است که این پیغام‌ها را فراموش کرده‌ایم» (کیانوش، ۱۳۸۹: ۸).

با توجه به اینکه مناطق کوهستانی زمستان‌های سخت و پربرفی دارند، بهارهای زیبا و تابستان‌های خنک‌تری را شاهد هستند. بهار با چشمه‌ها و رودهای پرآب و گلزارهای بی‌کران و دشت‌های سرسبز و شاد و تابستان با خنکی و نسیم‌های شبانه‌اش، روح نازک‌بین شاعران را بسیار به خود جلب می‌کند. شاعر کودک با توجه به درون‌کودکانه‌اش از این همه زیبایی به وجد آمده و هوس بازیگوشی دارد. شعری که در عالم کودکانه‌اش هم می‌سراید، حتما جذاب و شبیه بازی است. شاعران مورد بحث (یونس رضایی و محمدرسلولنیا) بیشتر شعرهایشان متأثر از طبیعت و درباره آن است. یونس رضایی در سه اثر چاپ شده خود به نام‌های "مامه هه‌وره (عمو ابره)، مشکه بوره (موش خاکستریه) و ماسیله (ماهی کوچولو)"، به مضامین طبیعت و عناصر آن می‌پردازد. محمد رسولنیا نیز در دو مجموعه چاپ شده خویش با نام‌های "هقلی مه‌قو (الاکلنگ) و هه‌لپه‌رکیی باران (رقص باران)" شعرهایی مرتبط با طبیعت و زیبایی‌هایی آن، دارد. در بخش‌های بعدی به مظاهر و توصیفات طبیعت، در چند نمونه از شعرهایشان پرداخته و به تفکیک در سه دسته: طبیعت، حیوانات و حشرات، بررسی خواهد شد.

مظاهر طبیعت در اشعار کودک یونس رضایی و محمد رسولنیا

به تمام عناصر محیط طبیعی اعم از باد و باران و کوه و چشمه و دریا و جنگل و دشت و برف و گلستان و... طبیعت گفته می‌شود. این عناصر در زیر شاخه طبیعت قرار گرفته و در اشعار شاعران مورد نظر بررسی خواهد شد.

عناصر طبیعت (برف، باران، کوه، فصل‌ها و ...)

در شعر کودکان گاه از زبان شاعر به وصف طبیعت پرداخته می‌شود و گاهی خیال فراتر رفته و جان بخشی قوی‌تر است چنان‌که از زبان خود طبیعت و عناصر آن سخن گفته می‌شود که البته این شیوه خیال‌انگیزتر و برای کودک جذاب‌تر است. در شعر شاعران این تحقیق (یونس رضایی و محمد رسولنیا)، شاهد هر دو نوع بیان شعری هستیم. عنصر برف در شعر رسولنیا از زبان خودش وصف می‌شود. ابیاتی از شعر برف:

من کوتری سپی به فرم/به ره زهوی بال ده گرم/دوو دهستی خنجیلان/ه بوم بکه به هیلان/ه/با بیم به نیشم/هوه/لای تو
بچه سیم/هوه/کلووی به فری زستانم/زور سووک و سپی و جوانم (رسولنیا، هه‌قلی‌مه‌قو، ۱۳۹۹: ۵).

ترجمه: من کیبوترسفید برفم که به سمت زمین بال می‌گشایم/دو دست کوچکت را برایم مثل لانه کن/تا بیایم و روی آن
بنشینم و کنارت آرام بگیرم/دانه برف زمستان هستم و بسیار سبک و سفید و زیبا هستم.

در شعر رضایی برف از زبان راوی (شاعر بزرگسال) توصیف می‌شود:

کلوو کلوو ده‌باری/سپیی سپیی، خر و جوان/ب‌ه‌فر ب‌ه‌فر ل‌ه ح‌ه‌وش/ه/ب‌ه‌فر ب‌ه‌فر ل‌ه کولان/سپیی سپیی بووات‌ه‌واوی
شاری ئیم‌ه‌ه‌لات ه‌لات و خوشی/بووه به کاری ئیم‌ه (رضایی، مامه‌ه‌وره، ۱۳۹۸: ۲).

ترجمه: برف دانه دانه و سفیدمی‌بارد/برف برف در حیاط، برف برف در کوچه/تمام شهر ما سفیدسفیدسفید شد/بدویدو
شده کار ما.

برف نماد سپیدی و برکت است که مایه خوشحالی است چون در پی آن بهاری زیبا و پرگل خواهد آمد. با وجود سرمای سخت مناطق کوهستانی، در حافظه جمعی مردم آن مناطق چنین جا افتاده که به جای آنکه از سرما گله‌مند باشند، آن را نویدبخش بهار بدانند و کودکان را هم به بازی و شادی در زمستان سوق دهند و طبیعتاً هر دو شاعر با توصیفات زیبا از زیبایی برف و بازی زمستانی سعی در تقویت این باور داشته‌اند که زمستان اگرچه سخت و سرد است، اما بهاری سبز و زیبا را در پی دارد. گاهی شاعر نه فقط به یک مولفه طبیعت بلکه به چند مولفه می‌پردازد و چون نقاشی به ترسیم تصویری کلی از طبیعت می‌پردازد. رضایی در شعر "کوتره‌کان" این عناصر را در کنار هم در دفتر خیال کودک نقاشی می‌کند:

کیشاومه خوریک/چومیک و س‌ه‌زایی/مالیک ل‌ه مه‌زرای‌ه‌ک/دوورتر ل‌ه ناوایی/ده‌شتی گول و گ‌ه‌رما/ن‌ه‌ققاشی ئ‌ه‌وروم/ه
شینایی‌ه‌ک دیاره/چه‌ه‌ند جوان‌ه‌ه‌و چوم/ده‌فته‌ر‌ه‌وه‌کوو ده‌شتیک/مه‌زرای‌ه‌ک‌ه‌رنگین/ه‌ه‌لده‌فری تیشیدا/سی کوتری بال
ن‌ه‌خشین (رضایی، ماسیله، ۱۳۹۸: ۷).

ترجمه: خورشیدی را نقاشی کردم، یک رودخانه و سبزه هم کشیدم/خانه‌ای را هم در مزرعه‌ای دورتر از روستا کشیدم/
دشت گل و گرما، نقاشی امروز من است/آبی زیبایی هم پیداست، چه زیباست این رودخانه/دفتر مانند دشتی و مزرعه‌ای
زیباست/در آن سه کیبوتر زیبا هم پرواز می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز این شعر، خیال‌انگیزی و تصویرسازی ذهنی برای کودک است. تشبیه دفتر به دشتی سبز و تصویرسازی‌های عینی، به زیبایی شعر افزوده است. شعری کوتاه، خوش‌آهنگ و خوش‌قافیه که تمام کلمات در خدمت شعرند و واژه‌ای نیست که به اجبار وزن و قافیه در شعر نشسته باشد. سرشار از مفاهیم طبیعت است: خورشید، رودخانه، سبزه، مزرعه، روستا، گل، رودخانه،

کبوتر، همه بسیار دقیق در کنار هم نقاشی کودک را تصویر کرده‌اند که در مقابل چشمان مخاطب کودک چون تابلویی زیبا خودنمایی می‌کند. با این اوصاف این شعر بسیار بر کودک اثرگذار است و در زمینه ارتباط با طبیعت نیز، موفق عمل خواهد کرد و نتیجه این اثرگذاری دوستداری طبیعت و حفاظت ناخودآگاه از آن است.

آب مظهر آبادانی است، چشمه‌های سرشار در کوهستان‌ها ذوق آدمی سیراب کرده و کمتر شاعری است که برای زلالی آب شعری سروده باشد. رسولنیا در شعر کانی^{۱۲} به معنای چشمه، به توصیف زیبایی‌های این زلال زیبا می‌پردازد:

ی‌ه‌ی کانی کانی کانی/دایکی رووباره‌کانی/تو به فراوی کویستانی/پاک و بیگ‌هرد و جوانی/اله بن به‌رد هه‌لقولیوی/خزخز بو شیو خزبوی/سارد و که‌ل‌ه‌ت‌ه‌زینی/ه‌ه‌ی ه‌ه‌ی چه‌ن دل‌بزوینی/ده‌رو ب‌ه‌رت خ‌ه‌ملاره/گیا پرچی داهیناوه/به‌گول و ریحان‌ه و پنگ‌ه/رازاه‌ت‌ه‌وه ژینگ‌ه (رسولنیا، هه‌لپه‌رکیی باران، ۱۴۰۰:۱۲).

ترجمه: ای چشمه چشمه چشمه مادر رودخانه‌هایی/تو برفاب کوهستانی/پاک و زلال و زیبایی/از زیر سنگ جوشیده و آرام به درّه تنگ خزیده‌ای/سرد مانند یخ هستی، هی هی چه دل‌انگیزی/دور و برت آراسته است و گیاهان گیسویشان را شانه کرده‌اند/با گل و ریحان و نعنای طبیعت زیبا شده است.

فصل‌ها همیشه الهام‌بخش شاعران بوده‌اند. یکی از وظایف شاعر کودک شناساندن ماه‌ها و فصل‌ها و دنیای ملموس است. رسولنیا در شعر که‌رویشکه مه‌له: آب‌تنی^{۱۳} با توصیف گرمای تابستان به لذت آب‌تنی کردن در رودها اشاره دارد:

به قرچ‌ه‌ی ه‌اوین/اسر‌بویه ی با نای‌ه/وه‌خته بیروو‌کیم/ل‌ه و به‌ر گ‌ه‌رمای‌ه/.../ده‌مبا بو چومی/بابم به‌په‌ل‌ه/جا تیرتیر ده‌ک‌ه‌م/که‌رویشکه‌مه‌له (رسولنیا، هه‌لپه‌رکیی باران، ۱۴۰۰:۱۲).

ترجمه: آب تنی: در گرمای تابستان نسیمی نمی‌وزد/دارم از گرما هلاک می‌شوم/پدرم زود مرا به رودخانه می‌برد/آنجا یک دل سیر، آب تنی می‌کنم.

همراهی با پدر و دل سپردن به طبیعت فضای زیبایی ایجاد کرده و حس دوستی با طبیعت را در کودک تقویت می‌کند.

پاییز، در دو شعر رضایی ضمن اینکه زیبا جلوه داده شده و دارای ویژگی‌های وصفی است، فصل مدرسه است و در هر دو شعر اشاره به کلاس درس دارد:

پاییزه، ره‌نگی دار‌زه‌رد و سبی و سووره/ره‌نگی قوتا‌بخان‌ه‌ش/به‌ونی دی ل‌ه دووره (رضایی، ماسیله، ۱۳۹۸:۱۴).

ترجمه: پاییز است و رنگ درخت سبز و سفید و قرمز است/رنگ مدرسه هم بویش از دور می‌آید.

پاییزه کولان سارد/ی‌مه‌ما کلاس خوش‌ه/کای‌ه به‌سه نوره‌ی/ده‌رسی من و توشه (رضایی، مامه‌ه‌وره، ۱۳۹۸:۱۳).

ترجمه: پاییز است کوچه سرد، اما کلاس زیباست/بازی بس است و نوبت درس من و تو است.

در این دو شعر پیوند کودک با مدرسه در فصل پاییز تبدیل به امری خوشایند شده است و کودک فصل‌ها و رنگ‌ها را به زندگی عادی خود راه می‌دهد و با آن‌ها تجربه زندگی را کامل‌تر می‌کند. همچنان‌که باران نقش عمده‌ای در شعرهای این شاعران دارد و باعث شادمانی کودکان و سرشار از زیبایی توصیف می‌شود: شور شور/سور/باران/ده‌باری/چه‌هند جوان‌ه/... (رضایی، مشکه‌بوره، ۱۳۹۸:۸). ترجمه: شُر شُر شُر باران گرفته/می‌بارد چه زیبا.

رسولنیا نیز چنین سروده است: تک تک تک بارانه/له‌و چه‌وشه و ده‌رگا و بانه/ده‌س ده‌ک‌ه‌ن به‌ه‌لپه‌رکی/مندال و ه‌رنه به‌رده‌رکی (رسولنیا، هه‌لپه‌رکیی باران، ۱۴۰۰:۷).

ترجمه: چک چک چک باران/در حیات و دم در خانه/شروع به رقصیدن می‌کنند/بچه‌ها بیایید بیرون از خانه.

در کتاب‌های رضایی ماه و خورشید و وطن و ابر و رنگین کمان و... با جان‌بخشی به عضوی زنده از دنیای کودک بدل

شده و کودک را هرچه بیشتر به دیدن زیبایی‌های طبیعت و همزیستی با آن سوق می‌دهد. زندگی شهری هنوز مانع از آن نشده که شاعران کودک از خاستگاه کودکی خود بگسلند و جالب آنکه سعی دارند که این زیبایی‌ها را به کودکان امروزی نیز نشان دهند و شکاف عمیقی را که رسانه‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و زندگی مکانیکی با نسل جدید و نسل‌های قبل، ایجاد کرده را تا حدی کمرنگ‌تر کنند.

حیوانات و پرندگان

یکی از بحران‌هایی که امروزه جامعه جهانی را به خود واداشته است، انقراض گونه‌های جانوری و پرندگان است که به دلیل گرم‌شدن زمین و کم‌آبی و دخالت انسان‌ها در محیط زیست، به وجود آمده است. شاعران همیشه سعی در تلطیف مشکلات و ناعدالتی‌های جهان داشته‌اند. اما شاعر کودک در این زمینه اثرگذارتر است چون مهربانی با حیوانات به زبان شعر، آن را در وجود کودک نهادینه می‌کند و هر کودک نماینده‌ای خودساخته است برای حفظ محیط زیست و حیات وحش.

رسولنیا در مجموعه شعرهای خود شعرهای زیادی در توصیف حیوانات دارد:

حاجی ل هق ل هق، ل هق ل هق ل هق/دهندووک تهق تهق، تهق تهق تهق/دوو بالی گه‌وره ده‌کرم/دیم و ل‌ه‌گه‌ل تو ده‌فرم (رسولنیا، هه‌لیه‌رکیی باران، ۱۴۰۰:۱۰).

ترجمه: لک‌لک لک لک لک، نوک می‌زنی تق تق تق/.../دو بال بزرگ خواهیم خرید و با تو پرواز خواهیم کرد.

تکرار از زیباترین و تاثیرگذارترین صناعات ادبی به کار رفته در این شعر است. خوش‌آهنگ است. خیال‌انگیز است چون آرزوی پرواز دارد و با اندیشه‌ای کودکانه در اندیشه خریدن بال است و خیالی شیرین را به کودک هدیه می‌دهد.

دهندووک سسووری پوپ‌ه‌لار/به توندی دبی سه‌ره‌خوار/به‌یانی زوو زوو زوو/قوقولی قوقو، قوقو/ه‌ک به خوت ده‌قوقولینی/له‌خه هه‌لمانده‌ستینی (رسولنیا، هه‌قلی مه‌قو، ۱۳۹۹:۱۱).

ترجمه: ای خروس مقارحنایی که فرزند پایی می‌پری/.../صبح زود زود زود قوقولی قوقو می‌گویی/با تمام وجود می‌خوانی و از خواب بیدارمان می‌کنی.

شعری توصیفی است با استفاده از صنعت تکرار و نام‌آوای صدای خروس و بیان خصیصه بارز خروس که سحرخیزی و بیدار کردن دیگران است. در شعر کلاغ رسولنیا از توصیف صرف رها شده و در قالب داستان کلاغ را به هم‌صحبتی کودک دعوت می‌کند: هه‌موو روژیک به‌یانی/پیش‌ه‌وه‌ی که تاو هه‌لی/قششق‌ره‌ی‌ه‌ک قاره‌قار/به‌سه‌ره‌مال ئیم‌ه‌دا دی/ده‌لی‌ه‌گ‌ره‌زوو هه‌ستی/ده‌بین‌ه دوست و هاور (رسولنیا، هه‌قلی مه‌قو، ۱۳۹۹:۸).

ترجمه: هر روز صبح قبل از طلوع آفتاب/یک کلاغ با قار و قار از فراز خانه ما می‌گذرد/همین که صدایش را می‌شنوم از جایم برمی‌خیزم/به سمت پنجره می‌روم و قارقارکنان به سمت می‌آید/منقار و پر و بالش را به پنجره می‌ساید/می‌گوید اگر سحرخیز باشی با هم دوست می‌شویم.

این شعر با استفاده از کاراکتر کلاغ در پی آموزش سحرخیزی است. آموزش، غیر مستقیم است و از زبان کلاغ برای برقراری دوستی القا می‌شود. شعر کوتاه است و از صنعت شخصیت‌بخشی استفاده شده است. تصویرسازی ذهنی در این شعر قوی است و فاقد کلمات اضافی برای حل مشکل وزن و قافیه است و هرکلمه در جای خود کارآمد است. دوستی با کلاغ که پیشنهاددهنده‌اش هم خود کلاغ باشد هیجان‌انگیز و بسیار خیال‌انگیز است. در نتیجه این شیوه بیان، هدفی آموزشی دارد که اهمیت سحرخیزی است و بسیار اثرگذار است. کودک به شوق دیدن و دوستی کلاغ، سعی می‌کند صبح‌ها زودتر بیدار شود و غیرمستقیم دوستی با طبیعت نیز هدف قرار می‌گیرد.

این رابطه علی و معلولی و منطقی، به کودک می‌فهماند که اگرچه زنبور مفید است و به ما عسل می‌دهد اما تنها زمانی آرام است که کاری به کاری نداشته باشیم و آزارش ندهیم چون حتماً برای دفاع از خود کاری خواهد کرد که باب میل ما نیست کما این که طبیعت اوست.

مقایسه اشعار رضایی و رسولنیا از لحاظ زبان شاعرانه در بیان مولفه‌های طبیعت

زبان هر دو شاعر لطیف و ساده و در عین حال محکم و باب طبع کودکان است. از آنجایی که کودکان زیادی به راحتی اشعار این دو شاعر را حفظ کرده و می‌خوانند. شعرهای رسولنیا تا حدی مستقیم است و باتوجه به نمونه‌های بررسی شده، بیشتر حالت توصیفی داشته و قصه‌پردازی کمتری در آن صورت گرفته است. زبان شعر او ساده و جان‌بخشی عمده‌ترین آرایه ادبی در اشعار اوست. اما در شعرهای رضایی شیطنت کودکانه همراه با چاشنی طنز دیده می‌شود، اشعار او اگر درباره مولفه‌های طبیعت و خصوصاً حیوانات هستند، داستانی دارند که غیرمستقیم برخی ویژگی‌هایشان را بیان و توصیف می‌کنند. لطافت و سادگی در بیان موضوعات، اشعار هر دو شاعر را متمایز کرده و در چارچوب مولفه‌های شعر کودک قرار داده است.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، به دلیل بحران‌های زیست‌محیطی، جهان به سمت حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی و حیوانات و پکی هوا و زمین و آب، بیشتر و بیشتر قدم برداشته است. در این میان جامعه ادبی نیز دست به کار شده و از تاثیرگذاری‌اش بر انسان‌ها از راه عاطفه و تخیل استفاده کرده و با ژانرهای مختلف ادبی، سعی در سوق دادن انسان‌ها به دوستی و پیوند بیشتر با طبیعت و حفظ و نگهداری آن داشته است. در این میان نقش ادبیات کودک می‌تواند بسیار پررنگ و مثمر ثمر باشد. چرا که شخصیت کودک هنوز کامل شکل نگرفته و هنوز تربیت‌پذیر و خام است و می‌توان از راه شعر و ادبیات به درونش راهی یافت و آموزه‌های زیست‌محیطی را به او یاد داد. کودکان چون تنها بر مشاهدات خود تکیه می‌کنند و هنوز درگیر مفاهیم انتزاعی نشده‌اند، اتفاقاً بسیار بیشتر و بهتر طبیعت و محیط اطراف خود را می‌بینند و با آن یکی می‌شوند. شعرهایی که وصفی‌اند و درباره زیبایی‌های طبیعت سخن می‌گویند، به شیوه غیرمستقیم و شعرهایی که با روش مستقیم درباره حفاظت از محیط زیست سخن می‌گویند هر دو بر کودک اثرگذارند. با توجه به طبیعت سرشار و ثروتمند گردستان، بسامد شعر کودک با مضامین توصیفی طبیعت، بسیار بالاست. مضامین اخلاقی و رفتاری و آموزشی بیشتر در لوای این اشعار قرار دارند. در بخش عمده‌ای از شعرهای کودک به زبان گردی، طبیعت حضور دارد چه به عنوان شخصیت، فضا و تم شعری و یا با بن مایه و موضوع اصلی. از مطالعه شعر دو شاعر مطرح گرد می‌توان نتیجه گرفت که بسامد اشعاری با موضوع طبیعت و در جهت حفظ و همزیستی با آن بسیار بالاست. در توصیف طبیعت در شعرهای انتخابی رابطه انسان و طبیعت بسیار نزدیک و دوستانه است. اگر چه شاعران در این شعرها به درون‌مایه آموزشی، توجه خاصی نشان داده‌اند ولی به سبب برخورداری از جوهره شعری غنی‌تر و بهره بردن از تصویرهای خیالی و درگیرکردن حس و تخیل کودک، این پیام به شکل مستقیم ارائه نمی‌شود. در برخی شعرها پیوند کلامی کودک با یکی از عناصر طبیعت، از یک سو آن عنصر را به کودک می‌شناساند و از سوی دیگر به آن شخصیت می‌بخشد و از این راه احساسات او را برمی‌انگیزد. روابط بین انسان و طبیعت (کودک و حیوان) از طریق آموزش، یا به شیوه رفتاری است که سرشار از مهربانی و مراقبت از نوع مادرانه است و یا نصیحت‌گری والد‌مانه، که مسائل را به صورت مستقیم گوشزد می‌کند. این مسائل طوری بیان می‌شوند که بیاموزند طبیعت سرمایه‌ای گرانبهاست و انسان و طبیعت در کنار هم قرار دارند و انسان مالک و بالادست طبیعت نیست و نمی‌تواند هرطور که خواست با آن رفتار کند و باید این میراث گرانبها را سالم به دست آیندگان بسپارد.

منابع

- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۵) شعر و کودکی، تهران: انتشارات مروارید.
- بلتهایم، برونو (۱۳۸۴)، کودکان به قصه نیا دارند، ترجمه کمال بهروزنیا، ج ۳، تهران، انتشارات افکار.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۱) بررسی ارتباط انسان و طبیعت در شعر، مجله ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره پیاپی ۹، صص ۷۷-۹۹.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲) ادبیات سبز، مجموع مقالات در نقد بومگرایان ادبیات فارسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رسولنیا، محمد (۱۴۰۰) هه‌لپه‌رکیی باران، کرج: انتشارات مانگ.
- رسولنیا، محمد (۱۳۹۸) هه‌قلی مه‌قو، بوکان: انتشارات زانکو.
- رضایی، یونس (۱۳۹۸) مامه‌ه‌وره، سنندج: انتشارات مادیار.
- رضایی، یونس (۱۳۹۸) مشکه‌بوره، سنندج: انتشارات مادیار.
- رضایی، یونس (۱۳۹۸) ماسیله، سنندج: انتشارات مادیار.
- شفیغ‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، راهنمایی و مشاوره کودک، تهران: انتشارات سمت.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۹) شعر کودک در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۸۹) ادبیات کودک و نوجوان و ترویج خواننده، تهران، انتشارات سمت.

پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان